پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکدهٔ تاریخ

پایان‌نامه کارشناسی ارشد

موضوع:

مقدمه‌ای بر شناخت اوضاع سیاسی کردستان از ۱۲۹۷ه.ق تا ۱۳۲۵ه .ش

استاد راهنما:

دکتر ناصر تکمیل همایون

استاد مشاور:

دکتر علی‌اصغر مصدق

پژوهش:

مجتبی برزویی

فهرست مطالب

فهرست | صفحه

مقدمه

فصل‌بندی رساله ـ بررسی اجمالی منابع و مآخذ

فصل یکم:

قیام شیخ عبیدالله نهری ۱-۶۶

بخش یکم: خاندان حکومتگرا اردلان و ولایت کردستان ۲-۱۴

۱ـ خاندان اردلان در دوران پیش از قاجار

۲ـ خاندان اردلان در عصر قاجار

۳ـ گرایشات والیان اردلان به فرهنگ ایرانی و موقعیت آنان در پهنه سیاسی ایران در دوران قاجار

بخش دوم: موقعیت بخش کردنشین آذربایجان پیش از قاجار ۱۴-۲۶

۱ـ عشایر مکری

۲ـ خاندان مکری و کردستان شمالی در عصر قاجار

۳ـ ازدواجهای سیاسی و مشارکت کردها در امر قدرت

بخش سوم: زمینه‌های قیام شیخ عبیدالله ۲۶-۳۹

۱ـ خاندان شیخ عبیدالله

۲ـ اختلافات شیخ عبیدالله با دولت ایران

۳ـ شورشهای کردان عثمانی

بخش چهارم: انگلیسی‌ها و شیخ عبدالله ۳۹-۴۸

بخش پنجم: آغاز قیام شیخ عبیدالله ۴۸-۵۶

۱ـ شیخ عبیدالله در ایران

۲ـ ولایت کردستان و قیام شیخ عبیدالله

فهرست مطالب

فهرست | صفحه

بخش ششم: اهداف شیخ عبیدالله و ماهیت قیام او ۵۶-۶۶

فصل دوم:

اوضاع سیاسی نواحی کردنشین ایران از قیام شیخ عبیدالله تا قیام سمکو ۶۶-۱۱۳

بخش یک: کردها و اختلافات مرزی ایران و عثمانی ۶۶-۷۹

۱ـ زمینه‌های ناآرامی عشایر کرد در آذربایجان

۲ـ بروز ناآرامی در آذربایجان غربی و تحریکات عثمانیها

بخش دوم: ظهور ناسیونالیسم کرد ۷۹-۸۷

۱ـ پیدایش ناسیونالیسم کرد در کردستان عثمانی

۲ـ کردهای آذربایجان و تلاشهای محلی گرایان کرد عثمانی برای تبلیغ آراء و عقاید خود در ایران

بخش سوم: مشروطیت در کردستان ۸۷-۹۸

۱ـ تشکیل انجمنها

۲ـ سالارالدوله و عشایر کرد در برابر مشروطیت

بخش چهارم: جنگ جهانی اول و اثرات آن بر کردها ۹۸-۱۱۳

فصل سوم

قیام سمکو ۱۱۳-۱۹۷

بخش یکم: زمینه‌های قیام سمکو ۱۱۳-۱۲۳

۱ـ عشیره شکاک در دوران قاجار

۲ـ قتل جعفرآقا و پیامدهای آن ـ ورود سمکو به صحنه سیاسی آذربایجان

بخش دوم: سمکو قدرتمند می‌شود ۱۲۳-۱۴۳

فهرست مطالب

فهرست **صفحه**

۱ـ سمکو و جنگ جهانی اول

۲ـ اقدامات مسیحیان مسلح و تاثیر آنان بر سمکو

۳ـ طغیان سمکو بر ضد دولت مرکزی

۴ـ نقش جنبش خیابانی در تحرکات سمکو

بخش سوم: تاثیرات ملی‌گرایان کرد عراق و ترکیه بر حرکت سمکو ۱۴۳ـ۱۵۳

۱ـ سید طه افندی و سمکو

۲ـ سمکو و کردهای ترکیه و عراق

الف) سمکو و کومله ترکیه ب) سمکو و روابط او با کومله عراق و شیخ محمود برزنجی

بخش چهارم: سمکو قدرتهای بیگانه ۱۵۳ـ۱۷۳

۱ـ روابط سمکو با انگلیسیها

۲ـ روابط سمکو با ترکها در سالهای پس از جنگ بزرگ

بخش پنجم: سمکو از اوج قدرت تا شکست نهایی ۱۷۳ـ۱۷۹

۱ـ اشغال ساوجبلاغ مکری

۲ـ پایان کار سمکو

بخش ششم: عملکرد و ماهیت قیام سمکو ۱۷۹ـ۱۹۲

فصل چهارم

کردها در عصر رضاشاه ۱۹۲ـ۲۲۹

بخش یکم: اعاده قدرت دولت مرکزی در نواحی کردنشین ۱۹۲ـ۲۰۱

بخش دوم: اقدامات نظام پهلوی در نواحی کردنشین ۲۰۱ـ۲۱۳

۱ـ خلع سلاح عشایر

فهرست مطالب

فهرست | صفحه

۲ـ اسکان اجباری عشایر یا تخته قاپو

بخش سوم: قیام ملا خلیل ۲۱۳ـ۲۱۹

بخش چهارم: پیدایش ستم ملی در دوران حکومت رضاشاه ۲۱۹ـ۲۲۹

فصل پنجم

جمهوری مهاباد و پیدایش ناسیونالیسم کرد در ایران ۲۲۹ـ۳۴۲

بخش یکم: پیامد سقوط رضاشاه در نواحی کردنشین ایران ۲۲۹ـ۲۴۰

بخش دوم: کومله ژ ـ ک ۲۴۰ـ۲۵۷

۱ـ زمینه پیدایش کومله ژ ـ ک

۲ـ چگونگی تشکیل کومله ژ ـ ک

۳ـ شیوه عضوگیری و اهداف کومله ژ ـ ک

۴ـ تشکیل کمیته مرکزی کومله

۵ـ رویارویی کومله با اقتدار دولت مرکزی

۶ـ عضویت قاضی محمد در کومله

۷ـ تاثیر قاضی محمد بر سیاستها و اهداف کومله

۸ـ پیمان سه‌سنور و اتحاد کومله با کردهای ترکیه و عراق و سوریه

بخش سوم: حزب دمکرات کردستان ایران ۲۵۷ـ۲۶۷

۱ـ سفر دوم هیئت کرد به اتحاد شوروی

۲ـ چگونگی تشکیل حزب دمکرات کردستان

۳ـ برنامه حزب دمکرات

بخش چهارم: نقش اتحاد شوروی در رویدادهای کردستان از ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۰ ش ۲۶۷ـ۲۷۹

فهرست مطالب

فهرست | صفحه

۱ـاشغال نواحی شمالی ایران بوسیله ارتش سرخ

۲ـتشدید احساسات جدایی‌طلبانه کردها بوسیله مقامات شوروی

۳ـکومله ژ.ک و اتحاد شوروی

۴ـرابطه اتحاد شوروی با جمهوری مهاباد

بخش پنجم: تاسیس دولت ملی کرد در ایران ۲۷۹ـ۲۸۵

۱ـاوضاع نواحی کردنشین آذربایجان پیش از تشکیل جمهوری مهاباد

۲ـاعلام تشکیل جمهوری مهاباد

۳ـترکیب کابینه قاضی محمد

بخش ششم: روند اصلاحات در جمهوری مهاباد ۲۸۵ـ۲۹۹

۱ـتاسیس شرکت ترقی

۲ـاصلاحات آموزشی و فرهنگی

۳ـرشد مطبوعات و روزنامه‌های کردی

۴ـاصلاحات اجتماعی

۵ـتامین امنیت منطقه از طریق تاسیس ارتش و شهربانی

بخش هفتم: جمهوری مهاباد و سیاست دوری از دولت مرکزی ۲۹۹ـ۳۰۷

۱ـخودمختاری مطلق کردها پیش از خروج ارتش سرخ

۲ـرابطه آذربایجان خودمختار و جمهوری مهاباد

بخش ششم: خروج شورویها از ایران و تجدید نظر کردها در سیاست‌هایشان ۳۰۷ـ۳۲۱

۱ـقوام‌السلطنه و حل اختلافات ایران و شوروی

۲ـمذاکرات قاضی محمد و قوام‌السلطنه

بخش نهم: آغاز دوران ضعف حکومت مهاباد و دلایل سقوط آن ۳۲۱ـ۳۴۲

فهرست مطالب

فهرست | صفحه

۱ـ عدم حمایت عشایر کردستان از جمهوری مهاباد

۲ـ موضعگیری منفی اهالی استان کردستان به رویدادهای مهاباد

۳ـ مخالفت روحانیان و رهبران مذهبی با جمهوری مهاباد

۴ـ اشتباهات و نقاط ضعف دمکرات کردستان

منابع و مآخذ ۳۴۲-۳۵۴

اهمیت کردستان و جایگاه آن در موقعیت ایران،چه از نظر تمامیت ارضی کشور و حفظ وحدت ملی اقوام ایرانی و چه از نظر تنظیم سیاستهای منطقه‌ای و ایجاد و روابط با همسایگانی مانند ترکیه و عراق امری آشکار است.کشور ما ایران از آغاز پیدایش خود همواره بصورت یک امپراتوری چند قومی وجود داشته و به همین شکل به حیات خود بعنوان یک واحد سیاسی ادامه داده‌است.ایران از این حیث به دیگر واحدهای سیاسی مشرق زمین می‌ماند:امپراتوری چین،شبه‌قارهٔ هند و امپراتوری عثمانی در گذشته اینچنین بوده‌اند.و آنچه از آنها بجای مانده است،صفت چند قومی همچنان در موردشان صادق است.تصادم مشرق زمین و تمدن غرب با گشوده شدن افقهای تازه‌ای پیش چشم شرقیان همراه بود و به دنبال این رویداد مشرق زمین با الگوهای سیاسی و اقتصادی نوین،تحولات و تطورات شگرف فکری،اجتماعی و فرهنگی و علمی که دستاوردهای تمدن غرب بشمار می‌رفتند آشنا شد.

مسئله اقلیتهای قومی و مذهبی و حقوق آنها به شکل کنونی آن از جمله مسائلی است که غربیان برای نخستین بار آن را مطرح ساختند و سابقهٔ پیدایش و طرح آن به پدیدهٔ ناسیونالیسم یا ملت پرستی باز می‌گردد که آن هم به نوبهٔ خود در غرب ایجاد گردید.این پدیدهٔ نوین صرفنظر از نقشی که در تضعیف مسیحیت و پیش‌رفت و آزادی ملتهای اروپایی داشته‌است غالباً از سوی اروپائیان،همچون حربه‌ای،برای ناتوان ساختن کشورهای شرقی بکار رفته‌است.و معمولا قدرتهای غربی با پیش کشیدن حقوق اقلیتها و باصطلاح لزوم حفظ منافع آنها،آسیبهای جدی به کشورهای شرقی وارد ساخته‌اند و به بیان دیگر این مسئله به آسیب جای این کشورها تبدیل شده‌است.

موضوع کردها در این میان یکی از نمودهای زنده و بارزی است که در بالا از آن سخن به میان آورده شد.هدف از انتخاب موضوع این رساله تلاشی،هرچند کوچک و ناچیز،در راستای روشن ساختن ابهامات و تناقضاتی است که در آثار مورخان و پژوهشگران تاریخ کردهای ایرانی به چشم می‌خورد.در نگارش و تدوین تاریخ کردها دو گروه بیش از دیگران فعال بوده‌اند:مورخان غربی و ناسیونالیستهای کرد، و چون گروه دوم تا حد زیادی متأثر از آراء و عقاید گروه نخست است بنابراین روی سخن ما در اینجا تنها باگروه نخست خواهد بود.این دسته از مورخان در آثار خود به همه مناطق کردنشین خاورمیانه با یک دید می‌نگرند،حال آنکه کردستان ایران از همه نظر با دیگر نواحی کردنشین خاورمیانه تفاوت دارد.دلایل این تفاوت و تمایز همان چیزهایست که مورخان مغرض غربی در آثار و پژوهشهای خود آنها را

عمداً نادیده میگیرند.این مورخان نخست از تقسیم کردستان میان ایران و عثمانی،و بعد از اشغال آن بوسیله چهار کشور عراق،سوریه،ترکیه و ایران سخن به میان می‌آورند،گویی کردستان واحد سیاسی مستقلی با وجوه و مشخصات متمایز از ویژگیهای دیگر کشورهای همسایه خود بوده‌است.هیچگونه اشاره‌ای به این واقعیت نمیشود که همه سرزمینهای کردنشین همواره بخشی از ایران بزرگ بوده‌اند وتنها شکستهای سیاسی و نظامی آن مناطق را از پیکر این کشور جدا ساخته است.

در زمینهٔ بررسی ماهیت نژادی و زبانی کردها نیز غرض‌ورزی تاریخ‌نگاران غربی بیش از بیش آشکار میشود:در حالی که پیوند میان زبان کردی با زبانهای فارسی ایران باستان،اوستایی،فارسی میانه یا پهلوی اشکانی و پهلوی ساسانی و زبان فارسی دری کاملا واضح و گویاست،بازهم می‌بینیم که غربیها با انکار چنین واقعیت مسلمی،زبان کردی را به سانسکریت نزدیکتر می‌دانند و کردها را نه با فارسها،بلکه با هندیها از یک نژاد می‌دانند و به‌این ترتیب بطور غیر مستقیم تاریخ و فرهنگ ایران را تنها متعلق به فارسها معرفی می‌کنند و نقش مردم در شکل گیری و تاریخ فرهنگ ایرانی و مشارکت آنان در این امور را نادیده میگیرند.

در عرصهٔ کاوش و بررسیهای تاریخی وضع حتی از این هم بدتر است،هیچکس از خود نمی‌پرسد که چرا در کردستان ایران،تقریباً پنجاه سال دیرتر از دیگر نواحی کردنشین ترکیه و عراق حزبی سیاسی بوجود آمد که اهداف ناسیونالیستی کردی داشت و نقش احزاب کرد همسایه و تحولات سیاسی و بین‌المللی منطقه‌ای یعنی عوامل بیرونی تا چه اندازه در دور شدن کردهای ایرانی از ناسیونالیسم ایرانی و انتخاب ناسیونالیسم کرد مؤثر بود.

میدانیم که ناسیونالیسم کرد در ابعاد فرهنگی و سیاسی خود پدیده‌ایست متعلق به کردهای عثمانی که در دهه‌های پایانی سدهٔ نوزدهم پدید آمد و فرایند طبیعی جدایی کردها از ترکها در عرصه‌های،نژادی،زبانی،فرهنگی و اجتماعی و واکنش در برابر سیاست خشن باب عالی نسبت به مردم کرد و مرکزیت‌گرایی فراگیر آن بشمار می‌رفت.سدهٔ نوزدهم شاهد شورشهای مداوم کردهای عثمانی بود ولی در همان زمان کردستان ایران در آرامش کامل بسر می‌برد.و کردهای ایران بر غم جدایی در مذهب به نظام قاجار وفادار بودند،دلایل این تفاوت رفتار چه میتوانست باشد؟مطمئناً جامعه کرد ایران و دولت و جامعه ایران ویژگیها و خصائصی داشتند که با تکیه برآنها روابط و پیوندهای سالم و مطمئن میان ترک و فارس بوجود می آمد و این چیزی بود که دولت و جامعهٔ ترک فاقد آن بودند. در مورد کردستان ایران باید یک

اصل موضوعه را پذیرفت و آن اینست که این سرزمین بافتی یکپارچه نداشت و از دو بخش نسبتاً متمایز از هم تشکیل میشد: نواحی کردنشین آذربایجان یا کردستان شمالی و ولایت اردلان (ولایت کردستان) یا کردستان جنوبی و این نکته‌ای است که مورخان غربی کاملا به آن بی‌توجه بوده‌اند. کردستان شمالی از دیرباز مرکز عشایر و کردستان جنوبی جایگاه شهرنشینان و کشاورزان اسکان یافتهٔ کرد بشمار می‌رفت و همین تفاوت شیوهٔ معیشت نخستین وجه تمایز در رفتار سیاسی و اجتماعی و جهت گیریهای فرهنگی اهالی‌اند و منطقه را شکل داده بود. وجود تضاد و دوگانگی کامل میان آذریهای شیعه مذهب و کردهای سنی مذهب در همهٔ زمینه‌ها از جمله زبان، مذهب، شیوهٔ معیشت، فرهنگ و جهان ذهنی، و تا اندازه‌ای بی‌بهرگی کردها از مشارکت در قدرت موجب شده بود که همیشه نوعی عایق و مانع جامعهٔ کردهای شمالی را از دولت ایران جدا سازد و تحریکات و بهره‌برداری دولت عثمانی از این وضعیت فاصله‌ای را که به آن اشاره شد شدت می‌بخشید. اما در مقابل، ولایت کردستان یا کردستان جنوبی بخاطرحضور عنصر بومی در ادارهٔ منطقه و یا بدیگر سخن بعلت مشارکت عنصر بومی در امر قدرت، همجواری اهالی این ناحیه با کردهای شیعی مذهبی که بمراتب تعصبات مذهبیشان کمتر از شیعیان آذری بود، وجود پیوندهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی میان این منطقه با بقیهٔ بخشهای ایران کردهای جنوبی را به دولت، جامعه و فرهنگ ایرانی نزدیک کرده بود. اما نواحی کردنشین ایران برغم بافت ناهمگون خود در کل بازهم تا بقدرت رسیدن رضاخان همچنان به ناسیونالیسم ایرانی وفادار باقی ماند ولی از دورهٔ پهلوی به بعد پیدایش پدیده‌ای بنام ستم ملی بخش کردنشین آذربایجان را رفته‌رفته به بستر خاستگاه ناسیونالیسم کرد در ایران تبدیل کرد و البته این مهم با کمکهای فکری و سیاسی احزاب کرد همسایه به انجام رسید. ملی‌گرایی کردی نتیجهٔ تمایز کامل در زبان، سرنوشت تاریخی و فرهنگ کردها با ترکها و عربهاست و واکنشی به پیدایش ناسیونالیسم ترک و تورانیگری ترکهای جوان بشمار می‌رود. یکی از اهداف این رساله یافتن پاسخهایی برای پرسشهای زیر است:

دلیل موفقیت نظام قاجار در حفظ وحدت ملی ایران و ایجاد روح همکاری و یگانگی میان اقوام گوناگون ایرانی چه بود؟

چه عواملی موجب پیدایش ستم ملی در دوران رضاشاه شده بود؟

سه رویداد عمدهٔ تاریخ کردهای ایران یعنی قیام شیخ عبیدالله، قیام سمکو و پیدایش جمهوری مهاباد تا چه حد

ناشی از ملی‌گرایی کردی بوده‌اند؟

آیا زمینهٔ اجتماعی گسترده‌ای برای رشد ملی‌گرایی کردی در ایران وجود داشته‌است یا نه؟ این سئوالات نگارنده را برآن داشت که به مطالعه و بررسی اوضاع کردستان از طریق تحقیق دربارهٔ قیامهای شیخ عبیدالله و سمکو و تشکیل جمهوری مهاباد بپردازد.

باید اعتراف کرد که نگارش و تدوین این رساله در آغاز کار با توجه به در دسترس نبودن منابع و اسناد فارسی به اندازه کافی کاری بی‌نتیجه و ناامید کننده می‌نمود ولی با دستیابی به منابع کردی و لاتین و گذشت زمان و مطالعهٔ بیشتر و همچنین روایات و خاطرات اشخاص مطلعی مانند: جناب آقای یحیی صادق وزیری و جناب آقای داریوش فروهر این کار به پیش‌رفت و تا اندازه‌ای به روشن شدن تاریخ کردستان در فاصلهٔ سالهای ۱۳۲۵ ش تا ۱۲۹۷ه.ق. انجامید.

در اینجا لازم است از همکاری مسئولین مؤسسهٔ پژوهش و مطالعات فرهنگی و سازمان اسناد ملی ایران و راهنمایهای عالمانهٔ استادان ارجمند آقایان دکتر ناصر تکمیل همایون استاد راهنمای رساله، دکتر علی‌اصغر مصدق رشتی در سمت استاد مشاور و دکتر فرهنگ رجایی برای پیشبرد کار تدوین رساله سپاسگذاری نمایم. همچنین در مورد منابع کردی و لاتین خود را وامدار استادارجمند و گرانمایه جناب آقای دکتر وهاب‌ولی و دوستان عزیزم آقایان کاوهٔ گلکار و استفان‌کترین میدانم و بدینوسیله از کمکهای بیدریغ و صمیمانهٔ آنان کمال تشکر و امتنان را دارم.

مجتبی برزویی

فصل بندی رساله

در فصل اول این رساله نخست موقعیت خاندانهای حکومتگر کرد در ولایت کردستان یا اردلان و بخش کرد نشین آذربایجان از دوره صفویه تا قیام شیخ عبدالله شمزینی در اواخر سلطنت ناصر الدین شاه قاجار بطور خلاصه تشریح گردیده و سپس زمینه‌ها، عوامل و انگیزه‌های قیام مذکور، نقش دولتهای بیگانه در آن و عواقبی که در پی داشت بررسی شده است. در این فصل سه موضوع اصلی مورد توجه قرار گرفته که بدون لحاظ آنها در تاریخ کردستان داشتن درک و دریافت درستی از موقعیت کردهای ایران در دو سدهٔ اخیر غیر ممکن است. این سه موضوع بترتیب به مشارکت عناصر بومی کرد در ادارهٔ امور محلی خود و تا اندازه‌ای مشارکت در قدرت، محروم شدن کردهای شمالی از این موهبت در اواخر سدهٔ نوزدهم، و پیدایش تمایزات سیاسی میان کردستان شمالی و جنوبی در این دوران مربوط میشود.

بتدریج دامنهٔ این تمایزات به اندازه‌ای وسیع شد که توانست شمال کردستان را به جایگاهی مناسب برای توطئه‌ها و دسیسه‌های کارگزاران دولت توسعه طلب عثمانی تبدیل نماید. عثمانی از دیرباز در پی بهره برداری از تعصبات و احساسات مذهبی کردهای سنی ایران به منظور گرفتن امتیازات ارضی از حکومت قاجار بود و اصرار بر تحقق این امر به اضافهٔ تضعیف روزافزون دولت ایران در دهه‌های پایانی سدهٔ بیستم، ترکها را برای تجزیه بخشهای کردنشین آذربایجان وسوسه نموده بود. جنگ جهانی اول و تمایل ترکهای جوان برای بسیج عشایر کرد بر ضد روسیهٔ تزاری و تبدیل شدن آذربایجان غربی به یکی از میدانهای اصلی جنگ روس و عثمانی، خلاء حضور دولت مرکزی در این منطقه را بیش از بیش شدت بخشید و زمینهٔ سربرآوری قدرتهای محلی را هموار ساخت. بررسی جهات مختلف این مطلب در فصل دوم صورت میگیرد.

در فصل سوم قیام اسماعیل آقاشکاک معروف به سمکو مورد بررسی قرار میگیرد .ارزیابی سرکردهٔ عشیرهٔ شکاک نشان میدهد که مورخان غربی در قضاوتهای خود نسبت به این رویداد تا چه اندازه به خطا رفته‌اند.خاستگاه اولیهٔ قیام زمینه‌ای کاملا عشیره‌ای و فئودالی داشته و هیچ نشانه‌ای از ملی‌گرایی کردی در آن بچشم نمی خورد.این حرکت سپس با برخورداری از حمایتها و دخالتهای عثمانی و انگلستان در دوران جنگ و ترکیهٔ کمالی پس از جنگ ابعاد گسترده‌تری یافت.فعالیتهای سیاسی مسیحیان پناهندهٔ نستوری در ارومیه برای تجزیهٔ این ناحیه و تشکیل کشوری مستقل، و شعارهای منطقه گرایانهٔ جنبش خیابانی بر اصرار سمکو برای کسب اختیارات گسترده و دستیابی به نوعی خودمختاری سنتی افزود . فشار سمکو براهالی ارومیه، او شکاکها در پیشروی بسوی شرق آذربایجان و مشخصاًنواحی ترک نشین ، چپاول اموال ترکها ومسیحیان، بروز ناامنی در مناطق غربی و جنوبی آذربایجان، مختل شدن اوضاع اقتصادی این ناحیه و تلاش پیگیر ملی گرایان کرد ترکیه و عراق برای دادن رنگ استقلال طلبانه به جنبش سمکو و تعمیم و بسط آن به نواحی کردنشین کشورهای متبوع خود ازموضوعاتی است که دراین فصل به آنهاپرداخته خواهد شد . درسه فصل نخست رساله که رویدادهای کردستان درزمان قاجار بررسی میشود سعی برآنست که نشان داده شود در طول حاکمیت قاجارها پدیده‌ای بنام ملی گرایی کردی در میان کردهای ایران بوجود نیامده است.

فصل چهارم به بررسی اوضاع کردها دردوران سلطنت رضاشاه اختصاص یافته است ودر آن اصلاحات مورد نظر رژیم پهلوی،چگونگی اجرای آنها و تأثیرات و نتایجشان،بویژه در میان عشایر و روحانیان کرد تشریح و توصیف شده‌است.مطالب فصل چهارم بطور خلاصه بیان شده زیرا این قسمت در حکم مقدمهٔ فصل پنجم بشمار می‌رود و بدون آشنایی با اوضاع کردها در دوران پهلوی نمیتوان از دلایل پیدایش ملی گرایی کردی در ایران پس از سقوط رضا شاه تصویر روشنی داشت.تلاش رضا شاه برای امحاء فرهنگها و خردهٔ فرهنگهای اقوام غیر فارس،دیکتاتوری عنان گسیخته‌ای که ملی‌گرایی راستین ایرانی و مشروطیت را بطور کامل در انزوا قرار داده بود،بخشهایی از روشنفکران تازه بوجود آمدهٔ لائیک،روحانیون و طبقهٔ متوسط شهرنشین کرد در آذربایجان را متوجه ناسیونالیسم کرد نمود که در آغاز جنگ دوم در کشورهای عراق و ترکیه شکوفا شده بود.دراین فصل همچنین چگونگی پیدایش ستم ملی در دوران پهلوی و عواقب آن در میان کردها مورد توجه قرار میگیرد.

اما در فصل پنجم به پیدایش ناسیونالیسم کرد با مشخصه‌های مدرن و امروزی آن در میان کردهای ایران

پرداخته میشود که برای نخستین بار در ایران در میانهٔ سدهٔ بیستم بوجود آمد و نشان داد که اگر رشتهٔ پیوند میان ناسیونالیسم ایرانی و اقوام غیر فارس گسسته شود راه برای رشد آراء و نظریات قوم گرایانهٔ دیگری فراهم گشته و وحدت ملی کشور به خطر خواهد افتاد.

چگونگی شکل گیری حزب کومهٔ ژ- ک ،عملکرد قاضی محمد از سال ۱۳۲۰ شمسی تا ورود او به کومله و تشکیل جمهوری مهاباد،آراء و اهداف حزب دمکرات کردستان،سفر هیئتهای کرد به اتحاد شوروی،پایگیری جمهوری مهاباد،نقش روسها دراین رویدادها،علل داخلی مؤثر در سقوط سریع جمهوری مهاباد و نحوهٔ رویکرد دولت ایران به این جریانات از موضوعات عمده‌ایست که در فصل پنجم به آنها پرداخته خواهد شد.

بررسی اجمالی منابع و ماخذ

در اینجا لازم است توضیحات مختصری دربارهٔ منابع و ماخذ مورد استفاده در این رساله ارائه گردد:

افزون بر منابع دست اول و معتبری که دربارهٔ تاریخ کردهای خاورمیانه بطور اعم و تاریخ کردهای ایرانی بطور اخص نگاشته شده از برخی از اسناد و مدارک مربوط به دورهٔ موضوع مورد نظر رساله نیز بهره گرفته شده است که بعضی از آنها بعنوان نمونه در پایان رساله آورده خواهد شد. نیز از خاطرات شفاهی کسانی که در آن ایام می‌زیسته یا خود از دیگران شنیده‌اند استفاده شده است. در زیر به بعضی منابع مورد استفاده اشاره میشود.

۱- اسناد نویافته و چاپ نشده و اسناد منتشر شده:

در تهیهٔ این رساله علاوه بر منابع دست اول مربوط به قیامهای شیخ عبیدالله و سمکو و پیدایش جمهوری مهاباد بعضی از اسناد موجود به این دوره‌ها نیز مورد استفاده قرار گرفته است. بویژه اسناد مربوط به سازمان اسناد ملی ایران که مطالب فصلهای ۴ و ۵ تا اندازه‌ای بر پایهٔ آنها تدوین گشته است. مجموعهٔ این اسناد تلگرافها، نامه‌ها و گزارشات مقامات دولتی و رؤسای عشایر و سران کرد را برمیگیرد. در برخی از این گزارشات اطلاعات سودمندی دربارهٔ ماهیت عملکرد و اهداف اسماعیل آقا شکاک (سمکو)، دلایل پیدایش حس نارضایی کردها نسبت به نحوهٔ عملکرد ادارات رژیم پهلوی در نواحی کردنشین آذربایجان، چگونگی بهره‌برداری قاضی محمد از این نارضاییها و جهت دهی آنها بصورت اعتراضی فراگیر بر ضد دولت مرکزی بدست داده شده‌است. اما اسناد چاپ شده به گزارشات مأموران وزارت خارجه، مأموران کمیسیون تعیین حدود مرزی، نامه‌های شیخ عبیدالله و گزارشات دیپلماتهای روس مربوط

میشودکه بترتیب در کتاب اسناد سیاسی ایران و عثمانی در ۶ جلد،نامه‌ها و گزارشات امیرنظام گروسی به ناصرالدین شاه و اسناد ذیل تاریخ شورش کردها در سال ۸۸۰ ام نوشتهٔ دکتر جلیل جاسم جلیل موجود هستند.

۲- منابع چاپی:

این دسته از منابع برخلاف اسناد یاد شده اطلاعات ارزشمند و مهمی را دربارهٔ سه رویداد مورد نظر ما بدست می‌دهند و در واقع اسنادی که‌از آنها سخن به میان آمد مکمل اطلاعات این منابع هستند.

بعضی از این منابع مانند قیام شیخ عبیدالله شمزینی در عصر ناصرالدین شاه نوشته غوریانس ارمنی یاجمهوری کردها در سال ۱۹۴۶م. نوشتهٔ ویلیام ایگلتون کاملا به شرح و توصیف جنبه‌های گوناگون قیامهای مذکور پرداخته‌اند.از جمله این آثار میتوان به نوشته‌های مورخان و کردشناسان مشهور روسی مانند خالفین،لازاریف،مینورسکی و دکترجلیل اشاره کردکه باتکیه براسنادوگزارشات وزارت خارجهٔروسیهٔتزاری ، روزنامه‌هاوگزارشات ستاد جنگی روسیه درقفقازتهیه وتدوین شده‌اند. به کمک این منابع میتوان ازجنبه‌های سیاسی واهداف شیخ عبیدالله، تحریکات‌عثمانی درمیان عشایرکرد آذربایجان،موقعیت کردهای ایران درجنگ اول ودلایل قدرت گرفتن سمکوآگاهی یافت.

البته منابع درجه دومی مانند تاریخ مشروطیت ایران نوشته سیداحمد کسروی وکردها(the kurds) اثرتیمسار حسن ارفع که مطالبی نسبتاًمهم وکلی رادرپاره‌ای موارد مطرح میکنندخالی ازاهمیت نیست.

دسته دیگری ازآثارچاپی هستند که میتوان آنها راازمنابع کلاسیک تاریخ کردوکردستان نامیدکه ازآن جمله کتاب جنبش ملی کرداثرکریس کوچرا،کردهاوکردستان اثردرک کنیان ،کردوکردستان(les kurdes et le kurdistan) اثرگروهی ازمؤلفان(که برای استفاده از بخش مربوط به ایران آن ازمتن اصلی بهره گرفته شد)،کاروانی ازشهیدان کردستان(کاروانیک لەشە هیدانی کوردستانی ئیران)نوشته کریم حسامی وبعضی ازمقالات مجلات فرانسوی مانند جهان اسلام(le monde musulman) وشرق (l'orient) وروزنامه‌های فارسی مانند رهبر،باختر واطلاعات قابل ذکرند.دراین میان چندکتاب هست که نسبت به بقیه ازاهمیت بیشتری برخوردارند که در اینجا به معرفی برخی ازآنهاپرداخته میشود.

الف)قیام شیخ عبیدالله شمزینی درعصرناصرالدین شاه قاجارنوشته اسکندر غوریانس ارمنی .

مؤلف مترجم زبان فرانسه ومنشی دولت ایران دراکسپوزیسیون پاریس درسال ۱۸۷۸ کسی است که ازنزدیک

شاهـدقیـام شیخ عبیدالله بوده است و نوشته‌هایش ازارزش وقایع نگاشتی چشمگیری برخورداراست .ازخلال مطالب کتـاب غوریانس اوضاع نواحی کردنشین آذربایجان ،اشتباهات وخطاکاریهای مأموران آذری ،اهداف وجاه‌طلبی‌های شیخ عبیـدالله ،نـارضایی هـای سـران کـردازدولت ایـران،چگونگی قیـام وعلل شکست آن روشن می گردد .دراین اثرخبری ازدخالتهای عثمانی وانگلستان بطورمشروح به چشم نمی خورد.مطالب این کتاب باکمی تغییر درکتاب تاریخ وجغـرافیـای دارالسلطنهٔتبریزنـوشتـه شـاهـزاده نـادرمیـرزاآورده شـده است کـه بـادردسترس بودن متن اصلی ازآن استفاده‌نشد.

ب)رسـالهٔقیـام شیخ عبیدالله ذیل تاریخ افشارنوشتهٔ علی خان افشاریکی ازمدافعان ارومیه درروزهای حملات مریـدان شیخ بـه این شهرمانندمنبع بالا ازانگیزه‌های سیاسی- مذهبی وجنبه های اعتراضی قیام شیخ سخن می گوید و ویـژگی مهم آن بـررسی مفصل نقش کنسـول انگلیس ودکترکوکران دین گسترآمریکایی درتحریک رهبرکردها ونشویق مردم به تسلیم شهرارومیه به شورشیان است .دراین اثربه تفصیل ویژگیهای مذهبی قیام شیخ ومقصود او از دامن زدن به تعصبات کردها تشریح شده است.

ج)شـورش کـردهـادرسـال ۱۸۸۰م «شـورشی کـورده‌کـان سـالی ۱۸۸۰م»که درواقع رسالهٔدکتری نویسندهٔکرد دکتـــرجلیل جـاسم جلیل است وازروسی بـه کـردی تـرجمـه شـده است. دکترجلیل بـا تکیـه بـراسناد وزارت خارجهٔروسیه،انگلستان ونامه های شیخ عبیدالله به دولتهاوشخصیتهای اروپایی سعی داردقیام اورابه مثابه اولین اقدام کـردهـای خـاورمیانـه بـرای تشکیل کردستـان بزرگ معرفی نماید.مؤلف بطور ضمنی به فقدان زمینه های قیام درمیان کـردهـای ایـران اذعـان داردومیکـوشـدجنبهٔ اعتراضی حرکت شیخ عبیدالله را نادیده گرفته درعوض جنبه ملی گرایی کردی برای آن قائل شود.هدف دکترجلیل ازتألیف این کتاب اثبات هویت استقلال طلبانهٔقومی -زبانی برای قیام شیخ عبیدالله است.

د)مسئلهٔکـرد درسـالهـای ۱۹۱۷-۱۸۹۰ «کیشـه‌ی کـرد(۱۹۱۷-۱۸۹۰)» اثـرارزشمنـدکردشنـاس بزرگ روس م.س.لازاریف دردومجلـد تدوین یافته است وبه بررسی اوضاع سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی کردهای خاورمیانه می پردازد .دخالتهای عثمانی درامور غرب آذربایجان ،طرحهای ترکهای جوان برای اشغال بخشهای سنی نشین آن ایالت ،وضعیت عمومی عشایرکرد درآذربایجان ازدههٔ آخرسدهٔ نوزدهم تادو دههٔاول سدهٔبیستم،موقعیت سمکو وچگونگی

قدرت گرفتن او درجریان جنگ،پیدایش ناسیونالیسم کرددرعثمانی ونیز بررسی اوضاع کردهادرجنگ اول ازموضوعات کتاب ۷۰۰ صفحهای لازاریف است که نگارنده ازترجمه کردی آن استفاده نموده است.مؤلف روس با زیرکی تمام سعی کرده است حضور نامشروع روسیه درآذربایجان را عامل ثبات ،پیشرفت اجتماعی ورشد بازرگانی این ناحیه معرفی نمایدواز قبول این حقیقت که روسیه یکی ازعوامل بحران دراین بخش بودهاست طفره می رود.

ه)اوضاع ایران در جنگ اول یا تاریخ رضائیه اثر محمد تمدن،اوضاع ارومیه در زمان جنگ،تأثیر پذیری سمکو از شعارهای تجزیه طلبانهٔ مسیحیان عاشوری یاجیلو،چگونگی قدرت گرفتن از آشفتگی برآمده ازجنگ بزرگ،ارتباط رئیس عشیرهٔ شکاک با هواداران شیخ محمد خیابانی و تأثیر شعار منطقهگرایی (Regionalisme) او بر افکار کردهای آذربایجان ازجمله مسائلی هستند که در این اثر مورد توجه قرار گرفته است.تمدن همچنین دربارهٔ اولین روزنامهٔکردی که بوسیله اطرافیان سمکو در ارومیه انتشار یافت مطالب جالب توجهی را به خواننده عرضه میکند.

و)جمهوری کردها در سال ۱۹۴۶ (The Kurdish Republic in 1946) نوشتهٔ ویلیام ایگلتون.

این اثر جامعترین و مشروحترین اطلاعات دربارهٔ پیدایش جمهوری مهاباد را بدست میدهد.شرایط و چگونگی تأسیس اولین حزب سیاسی کردهای ایران،اوضاع مناطق کردنشین در زمان ورود روسها به ایران،موقعیت عشایر،سفر هینتهای کرد به اتحاد شوروی،شرایط پایگیری جمهوری مهاباد و روابط آن با آذربایجان،اتحاد شوروی و دولت مرکزی،اصلاحات انجام گرفته در طول حکومت قاضی محمد و علل سقوط آن مسائلی هستند که بطور مبسوط و مفصل در این اثر موردبحث قرار گرفتهاند.ایگلتون تلاش میکند که تأسیس جمهوری مهاباد را نتیجهٔ کوششها و مجاهدتهای مبارزان کرد معرفی کرده و نقش اتحاد شوروی را در این ماجرا کمرنگ جلوه دهد.ایگلتون توجهی به علل داخلی سقوط حکومت قاضی محمد ندارد و تأثیر اقدامات قوامالسلطنه درسست شدن پایههای نظام مهاباد را بخوبی بررسی نکرده است.

۳- کتب خاطرات:

درباره شیوهٔ حیات سیاسی،اقتصادی و اجتماعی کردهای ایرانی منابع مستقلی ـ البته به استثناء آثاری که خود کردها تدوین کردهاند ـ در زبان فارسی وجود ندارد ولی اطلاعات و دادههای زیادی بطور پراکنده در لابلای کتب خاطرات فارسی وجود داردکه قرار گرفتن آنها در کنار یکدیگر به شناسایی گوشههای تاریک تاریخ کردهای ایران کمک

می‌کند. علاوه بر این باید به یک رشته کتب خاطرات کردی اشاره کرد که توسط فعالان کرد عراقی نوشته شده است و مطالبی که آنان درباره اوضاع کردستان ایران نوشته‌اند بسیار حائز اهمیت است. در اینجا به معرفی اینگونه منابع می‌پردازیم.

الف) شرح حال عباس میرزا ملک آراء. چون مادر این شاهزاده قاجار کرد و از مریدان شیخ طه پدر شیخ عبید الله بوده است به این دلیل شیخ عبیدالله هنگام تصرف ساوجبلاغ مکری نامه‌ای برای آو که در آن زمان در تهران اقامت داشت فرستاد و پیشنهاد کرد که حکومت مناطق تصرف شده را بعهده بگیرد ولی عباس میرزا که امکان موفقیت شیخ را ناچیز تشخیص داده بود نامه و حاملان آن را به ناصرالدین شاه تسلیم کرد. ملک آرا از ستم تعدیات کارگزاران آذری معرفی می‌کند و همانگونه که خود او اشاره کرده است در تشریح و توصیف رویداد قیام شیخ از متن غوریانس بی‌بهره نبوده است.

ب) مبارزات ملت کرد در یادداشتهای احمد تقی (خه‌باتی گلی کوردله یادداشته‌کانی ئه‌حمه‌دتقی).

احمد تقی یک از کوشندگان سیاسی کرد و عضو کومله ترکیه پس از سالهای جنگ جهانی اول بوده است. احمد تقی در ضمن به صوابدید کومله ترکیه در سالهای دهه بیست میلادی با مصطفی کمال و دارودسته‌اش همکاری می‌کرد و به همین دلیل رابط سمکو با کمالیها بود. اطلاعاتیکه او در مورد مناسبات میان سمکو، با کمالیها، انگلیسیها، روسها و شیخ محمود برزنجی بدست می‌دهد برای آشنایی با ماهیت قیام سمکو، دلایل کمک نیروهای بیگانه به‌او و شناخت هدف نهایی این سرکرده شکاکها بسیار سودمند است.

ج) یادداشت ـ اثر رفیق حلمی از مبارزان کرد عراقی و از اهالی سلیمانیه است که در سه جلد منتشر شده است. رفیق حلمی در سالهای پس از جنگ اول جزء همراهان شیخ محمود برزنجی بود و در روزنامهٔ ندای کردستان مقاله می‌نوشت. او شاهد مذاکرات میان سمکو و شیخ محمود در سلیمانیه بوده است و علل عدم توافق آنان برای فعالیت در یک طرح مشترک توضیح میدهد و بدلیل شرکت در یک مأموریت سیاسی شرح زنده‌ای از اوضاع شهرهای تبریز، ارومیه و صدمات وارده از سوی سمکو به مناطق غربی و جنوبی ارومیه ارائه می‌کند.

د) یادداشتهایم (یادداشته‌کانم) نوشتهٔ عبدالله احمد رسول پشدری در دو جلد که جلد اول آن به رویدادهای ایران و جمهوری مهاباد و جلد دوم به شورش کردهای عراق مربوط میشود. عبدالله پشدری مبارز کرد عراقی ابتدا

عضو هیئت هیوا، بعداً عضو حزب کردستان کردستان عراق و مهاباد در ایران حضور داشته‌است و در جنگهای پیشمرگان دمکرات با ارتش شاهنشاهی در جبههٔ سردشت شرکت جسته است. خاطرات او از چند لحاظ حائز اهمیت است: نخست اینکه او از دید کردی عراقی به مسائل می‌نگرد و ضمن ستایش قاضی محمد و حزب دمکرات عملکرد آنان را به نقد هم می‌کشد. دوم از ترکیب نیروها در کابینهٔ قاضی، اوضاع عشایر، موقعیت بارزانیها، رفتار و اهداف شورویها، اصلاحات قاضی و مهمتر همه از آرمانگرایی شدید او برای تشکیل کردستان بزرگ اطلاعات جالب توجهی ارائه می‌کند که تقریباً در هیچ کدام از منابع فارسی و لاتین اشاره‌ای به آنها نشده‌است. پشدری سپس نشان می‌دهد که چگونه قاضی ناچار شد از آرمان کردستان بزرگ دست بردارد و به شعار دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان روی بیاورد. پشدری تأیید می‌کند که بعضی از عشایر ایران و حتی عشایر عراقی صریحاً با جمهوری مهاباد مخالف ورزیده و با دولت ایران همکاری می‌کردند.